

حماسه‌ی جنگل

با به پای میرزا کوچک خان جنگلی

در حدود صد سال قبل، کشور ایران تاریک‌ترین روزهای تاریخ خود را سپری می‌کرد. ارمغان قاجاریه برای ایران، فقر، خرابی، جنگ‌های پراز ناکامی، از دست دادن سرزمین‌های فراوانی از خاک کشور و قراردادهای ذلت بار اقتصادی بود، تا آن که مردم توانستند امتیازی بزرگ از پادشاه بگیرند و آن «انقلاب مشروطه» و تأسیس مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ ه.ش بود. اما جنبش بزرگ مشروطه پس از تغییر حکومت به «مشروطه‌ی سلطنتی»، به سرعت نابود شد. مجلس به دستور محمدعلی شاه به توپ بسته شد و دولت روسیه در مجلس ایران دخالت کرد! جنگ جهانی اول آغاز شد. ایرانیان اعلام بی‌طرفی کردند، زیرا معتقد بودند: «خون مسلمان نباید برای کفار و در جهت منافع غیر مسلمان ریخته شود.» اما این بی‌طرفی وقتی معنا پیدا می‌کند که یک کشور به پشتوانه‌ی قدرت خود چنین اعلامیه‌ای صادر کند، نه از روی ضعف. روسیه، انگلستان، عثمانی و آلمان در خاک ایران با هم جنگیدند و ارمغانی از قتل و قحطی برای ایرانیان آوردند. حکومت مرکزی روز به روز ضعیف و ضعیف‌تر شد. تنها آرزوی مردم روی کار آمدن شخصی وطن‌پرست بود که منجی مردم شود و به این شرایط اسفناک سروسامان دهد.

مثال تاریخ

مهدی زارعی

دوران کودکی

یونس فرزند میرزا بزرگ در سال ۱۲۵۷ ه.ش (۱۲۹۸ ه.ق) در محله‌ی «استاد سرا» در شهر رشت به دنیا آمد. شرایط مالی میرزا بزرگ متوسط بود و علاوه بر یونس، دو پسر (محمدعلی و رحیم) و دو دختر نیز داشت. یونس در «مدرسه‌ی حاجی حسن» در صالح آباد شهر رشت تحصیل را آغاز کرد و در «مدرسه‌ی محمودیه» تهران تحصیلاتش را ادامه داد.

زندگی سیاسی

میرزا هنگام به توپ بستن مجلس (۱۳۲۶ ه.ق) در قفقاز زندگی می‌کرد و در تفلیس و باکو از اوضاع آن روز جهان باخبر شده بود.

میرزا به رشت آمد و همراه با مخالفان استبداد محمدعلی شاه قاجار در فتح قزوین و تهران (۲۳ تیر ۱۲۸۸) شرکت کرد تا آن که همراه با دیگر مجاهدان گیلانی پا به پایتخت گذاشت. اما شرایط نابسامان سیاسی سبب شد که اندکی بعد، بسیاری از فاتحان تهران مجازات شوند!

دوباره تبعید

در آن روزهای پرآشوب، روس‌ها محمدعلی شاه را به ایران بازگرداندند و طغیان‌هایی به طرفداری از شاه انجام شد. میرزا کوچک خان خود را به گرگان رساند و پس از زخمی شدن برای معالجه به باکو رفت. هنگام بازگشت به گیلان، با دستور سرکنسول روس به پنج سال تبعید محکوم شد. چاره‌ای نبود جز اقامت در تهران. مدتی بعد جنگ جهانی آغاز شد و روس‌ها سلطه‌ی خود را بر استان‌ها و مناطق شمالی ایران افزایش دادند.





حمله‌ی قزاق‌ها به جنگل

سیاست‌های دولت‌های قدرتمند تغییر کرده بود. مهم‌ترین هدف دولت بریتانیا تقویت حکومت مرکزی ایران شده بود و دلیل آن چیزی نبود جز مبارزه با کمونیسم و کشور تازه شکل‌گرفته‌ی «اتحاد جماهیر شوروی». انگلیسی‌ها در صدد بودند در نقاطی چون ایران و عثمانی حکومت‌های قدرتمند و طرف‌دار خود را روی کار آورند تا از رسیدن روس‌ها به «آب‌های گرم» جلوگیری کنند. از این‌رواز میرزا خواستند تا با دولت مرکزی کنار بیاید. این یک اولتیماتوم بود.

یک حکومت مستقل

کم‌کم نیروی میرزا کاهش می‌یافت. بسیاری از یاران میرزا (هم‌چون دکتر حشمت) در این مدت فریب حکومت مرکزی را خوردند و پس از تسلیم خود، اعدام شدند! دولت تصمیم داشت تا افتتاح مجدد مجلس شورای ملی، از انجام عملیات نظامی خودداری کند تا آن‌که ارتش سرخ به بهانه‌ی «تعقیب فراریان نیروی دریایی روس»، وارد بندر انزلی شدند. روز یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۲۹۹، جنگلی‌ها به صورت رسمی تشکیل «کمیته‌ی انقلاب سرخ ایران» و تأسیس حکومت «جمهوری سوسیالیستی ایران» و الغای سلطنت را اعلام کردند. با تصرف سراسر گیلان، این منطقه از سپاهیان دولتی و قوای انگلیس پاک شد. مالکان بزرگ نیز به تهران گریختند و اموال آن‌ها به نام جمهوری ضبط شد.

پایان نهضت

اندکی پس از تشکیل جمهوری، اختلافات میان رهبران سبب از هم پاشیدن حکومت شد. میرزا به عنوان اعتراض رشت را ترک کرد و مخالفان وی ۱۷ ماه در گیلان حکومت کردند. تندروی‌های مخالفان میرزا سبب شد که بسیاری از مردم عادی نیز از نهضت جنگل فاصله بگیرند. به دستور حاکم جدید و دوست سابق میرزا، احسان‌الله خان، تمام طرف‌داران میرزا را دستگیر کردند. در این زمان قراردادهای جدید بین دولت ایران و شوروی سبب شد که سیاست شوروی در برابر جنگلی‌ها تغییر کند. در آخرین ماه‌های نهضت جنگل، حکومت به سه بخش تقسیم شده بود و میرزا حاکم بخشی از آن بود. احسان‌الله خان به تنهایی تصمیم گرفت به تهران حمله کند، ولی از قزاق‌ها شکست خورد و نیز به باکو فرار کرد. دیگر متحد سابق میرزا، **خالو قربان** نیز ترجیح داد به نیروهای دولتی روی آورد و در برابر آن‌ها تسلیم شود. میرزا جنگ کنان به کوه زد. حالا تنها کسی که در اوج وفاداری به او مانده بود، یک آلمانی بود که در جنگل به **هوشنگ** شهرت داشت. در ۱۱ آذر ۱۳۰۰، میرزا در گردنه‌ای میان طالش و خلخال یخ زد و حماسه‌ی جنگل پس از هفت سال و در آخرین روزهای کابینه‌ی **قوام‌السلطنه** به پایان رسید.

تصویرگر: میثم موسوی

